

پژوهشی بر ظروف سنگ صابونی هزاره سوم قبل از میلاد و نقش خلیج فارس در پراکنش آن

سامان سیدی^۱

دکتر بهمن فیروزمندی شیره‌جین^۲

مهلا علی اکبری^۳

چکیده

نشان داد که منشاء این ظروف، جنوب شرق ایران میباشد و دریای خلیج فارس و عمان در تسهیل مبادله این کالاها در هزاره سوم نقش اساسی داشته است.

کلیدواژگان

حوزه خلیج فارس؛ سنگ صابون؛ هزاره سوم قبل از میلاد؛ جنوب شرق ایران

مقدمه

نزدیک به دو سده از آشنایی محققان و باستانشناسان با ظروف سنگ صابونی میگذرد. این ظروف زیبا که بطرز ماهرانه و جالبی ساخته شده‌اند، نخستین بار در قبور هزاره سوم اور یافت شده‌اند. سنگ صابون در هزاره سوم قبل از میلاد بعنوان ماده اولیه تولید ظروف و اشیای استادکارانه خاص و زیبایی مورد استفاده قرار میگرفت. سنگ صابون، سنگی دگرگون یافته است که عمدتاً از تالک و مقادیر مختلفی کلریتها، میکاها، آمفیبولها، کربناتها و دیگر کانیه‌ها تشکیل شده است (افشاری‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴). علت نرمی این سنگ، وجود مقدار زیاد تالک در آن است. این سنگ معمولاً به رنگهای خاکستری، مایل به آبی، سبز یا قهوه‌یی و رنگارنگ میباشد (شیخ بیکلو اسلام، ۱۳۹۴: ۱). سنگ صابون اغلب در محل تلاقی صفحه‌های همگرای زمین، یعنی جایی که منطقه وسیعی از پوسته زمین در معرض حرارت و فشار مستقیم قرار میگردد، تشکیل میگردد. پدیدوتیتها، دونیتها و سرپانتینیتها

اصطلاح سنگ صابون برای اشاره به سنگهای کلریت و سنگ استتاتیت بکار میرود و به جهت نرمی و لغزنده بودن به این نام مشهور شده است و در ناحیه داخلی ایران که دارای کمربند آتشفشانی است یافت میشود. ظروف سنگ صابونی در محدوده جغرافیایی وسیعی شامل محوطه‌های بین‌النهرینی، خفاجه، اور، ماری و موهنجودارو در دره سند، ام‌النار، هیلی، فیلکه و تاروت در حوزه خلیج فارس تا تپه یحیی، شهدا، جیرفت، شوش و بمپور در جنوب شرق ایران یافت شده‌اند. بیشترین تعداد این ظروف در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس در جنوب شرق ایران میباشد که کاوشهای باستانشناسی بر آن صحنه میگذارد. حال سؤالاتی در ذهن متبادر میشوند که پرسشهای محوری این پژوهش میباشد: آیا کشف مواد فرهنگی جنوب شرق ایران در منطقه جنوب خلیج فارس نشانگر مهاجرت قومی است یا نه صرفاً بیانگر ارتباطات فرهنگی میباشد؟ و از آن مهمتر، جایگاه خلیج فارس در مبادلات منطقه‌یی هزاره سوم چه بوده است؟ و درنهایت اشیاء سنگ صابونی در چه بافتهایی یافت شده‌اند و چه تفاوتها و چه شباهتهایی در این بافتهای نهفته است؟ روش تحقیق در این پژوهش، روش توصیفی - تحلیلی میباشد. نتایج بررسی و مطالعه منابع مربوطه و پیشینه تحقیق و بررسی این ظروف،

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستانشناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ samansaidi@ut.ac.ir

۲. استاد گروه باستانشناسی دانشگاه تهران؛ b.firoozmandi@ut.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد باستانشناسی دانشگاه تهران؛

mahla.aliakbari@ut.ac.ir

اعضای تیم وی بود و برای رساله دکتری خود درباره موضوع تبادلات سنگ صابونی در منطقه خاورمیانه کار میکرد، یک پایگاه اطلاعات از مواد فرهنگی سنگ صابونی بدست آمده در منطقه، تهیه و ارائه کرد و آنها را به دوازده گروه طبقه‌بندی نمود. کول به سبک بکار رفته در مواد «سره قدیم» نام «سبک میان فرهنگی» داد (khol, 1974:117). لازم بذکر است، در زمان وی هنوز محوطه جیرفت کشف نشده بود و یافته‌های فرهنگی بی‌نظیر آن در دست کول نبود. اما در حدود دو دهه اخیر که محوطه جیرفت توسط یوسف مجیدزاده کاوش شده و یافته‌های آن منتشر گشته است، کتابها، مقالات و پایان‌نامه‌های بسیاری درباره تمدن جیرفت در منطقه هلیل رود ارائه شده که تعداد زیادی از آنها براساس مطالبی که گفته شد این سؤالات را به ذهن متبادر می‌سازند که آیا کشف مواد فرهنگی جنوب شرق ایران در منطقه جنوب خلیج فارس نشانگر مهاجرت قومی است یا نه صرفاً بیانگر ارتباطات فرهنگی میباشد؟ و از آن مهمتر جایگاه خلیج فارس و دریای عمان در مبادلات منطقه‌یی در هزاره سوم چه بوده است؟ و در نهایت اشیاء سنگ صابونی در چه بافتیابی یافت شده‌اند و چه تفاوتها و چه شباهتهایی در این بافتها نهفته است؟ در پژوهش حاضر در راستای پاسخگویی به این سؤالات، ابتدا منابع مرتبط درباره ظروف سنگ صابونی گردآوری شده و سپس از روش توصیفی مقایسه‌یی برای تحلیل ارتباطات جوامع منطقه خلیج فارس در هزاره سوم و پراکنش ظروف سنگ صابونی استفاده شده است.

برهم کنشهای فرهنگی و تبادلات تجاری تولیدات سنگ صابونی

بر اساس اشیای بدست آمده، حوزه هلیل رود جیرفت از یکسو با چندین مرکز تجاری - سیاسی و محلی - منطقه‌یی مانند یحیی، شهداد، شهر سوخته و ملیان و از سوی دیگر با مراکز برون منطقه‌یی مانند باختر، مارجیانا (مرو) و موندیگاک در آسیای میانه، محوطه‌های حوزه خلیج فارس همچون تاروت، بحرین، فیلکه و میان‌رودان مانند خفاجه، اور، اوروک و... ارتباطات تجاری داشته و بسیاری از ظروف کلوریتی این حوزه به این مناطق صادر شده است (شکل شماره ۱).

در این محیطها میتوانند دگرگون شده و به سنگ صابون تبدیل شوند (Hauptman, 1985:17؛ اتردی: ۱۳۸۶). بدلیل آنکه اکثر یافته‌های ساخته شده از این نوع سنگ، از داخل تدفینها و نیایشگاهها بدست آمده‌اند، بنابراین، بیشتر بعنوان ظروف آیینی مورد بررسی قرار میگیرند، ولی همچنین، باتوجه به همگونی شکل و نقش مایه‌های بکاررفته بر روی آنها، یک شبکه مبادلاتی فرامنطقه‌یی از آسیای مرکزی تا سوریه در هزاره سوم قبل از میلاد قابل ترسیم است. بنظر میرسد مثلث جیرفت، یحیی و شهداد در استان کرمان در هزاره سوم قبل از میلاد، مهمترین مکان تولید این کالا بوده و با توجه به داشتن منابع سنگ نرم، شاید خاستگاه اصلی مواد فرهنگی مزبور و توزیع منطقه‌یی آنها، بخصوص صدور به میان‌رودان که روزگار طلایی خود را در عصر سلسله‌های اولیه، اکد و سلسله سوم اور میگذراند، بوده باشد. استفاده از سنگ صابون در جنوب شرق ایران در طول دوران مفرغ و آهن رواج زیادی داشته است. مهمترین استفاده از این سنگ، تولید گسترده ظروف سنگی بوده است. اما استفاده از سنگ کلریت جهت ساخت مهر بگونه‌یی دیگر بوده است (طلایی، ۱۳۹۲: ۱۳).

میروشچی، اولین کسی است که در اوایل دهه ۱۹۷۰ م. با بررسی مواد فرهنگی سنگ صابونی موزه لوور پاریس، آنها را تاریخگذاری کرد و به دو دسته تقسیم نمود. او دسته‌یی را که متعلق به زمانی بین ۲۶۰۰ تا ۲۲۰۰ قبل از میلاد بودند بنام «سری قدیم» و دسته‌یی را که مربوط به زمان بین ۲۳۰۰ تا ۱۷۰۰ قبل از میلاد بودند با نام «سری جدید» معرفی کرد (Miroshedji, 1973:34). ظروف و اشیای سری قدیم کاملاً از سری جدید قابل تشخیص هستند، چون نقش‌مایه‌های بکار رفته در سری قدیم بسیار متفاوت و متنوع، بعضاً ملهم از افسانه‌های محلی، منطقه‌یی و احتمالاً فرامنطقه‌یی هستند. نقش‌مایه‌های پهلوان رام‌کننده حیوانات یا بقولی گیلگمش، درخت زندگی، مار و بز و... فقط در جنوب شرقی ایران دیده نشده، بلکه در سراسر فلات ایران، بین‌النهرین، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و دره سند نیز مشاهده شده‌اند. پس از میروشچی، در جریان کاوشهای تپه یحیی به سرپرستی کارل لامبرگ - کارلوفسکی که از اواخر دهه ۱۹۶۰ م. آغاز شد و تا میانه‌های دهه بعدی ادامه داشت، فیلیپ کول، که از

(البته به غیر از مهر) از بین‌النهرین بزرگ بدست آمده است (Moorey, 1994: 43) و متعلق به نیمه اول هزار سوم قبل از میلاد میباشند، ولی در تهیه مهرهای استوانه‌یی، از حدود هزار سال پیشتر مورد استفاده قرار میگرفته است (Hansen and Dales, 1962: 78). ظروف و اشیای بسیاری با نقش‌مایه‌های پیچیده و ساده جانوری، گیاهی، انسانی و اسطوره‌های منطقه بر روی این نوع سنگ حکاکی شده‌اند که تاکنون بیشترین فراوانی مواد فرهنگی از این دست، از جیرفت کرمان، کشف شده است (تصویر شماره ۱).

مواد فرهنگی ساخته شده از سنگ صابون، عمدتاً اشیایی شأن‌زا محسوب میشدند، چون در تولید آنها از یک سنگ نسبتاً کمیاب استفاده میشده که به طرزی ماهرانه تراش خورده و بر روی آن نقش‌مایه‌های طبیعی و اسطوره‌یی، بشکلی بسیار ظریف و زیبا حکاکی شده است. این نوع سنگ خاص که از نظر علمی، به نامهای کلریت و استاتیت (استیتیت) و بطور عامیانه، بنام سنگ سیاه و سنگ مار شهرت دارد، بسبب داشتن کانیهای نسبتاً نرم، بهترین نوع سنگ برای حکاکیهای دقیق و پر حجم در مساحتی کوچک است (Stinkeller, 1982: 257). با وجود اینکه قدیمیترین دست‌ساخته‌ها از این نوع سنگ



شکل شماره ۱: پراکنش ظروف سنگ صابونی حوزه هلیل رود در محوطه‌های باستانی میان‌رودان، ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس (منبع: نگارندگان)

این مجموعه غنی، شامل اکثر فرمهای اشیاء و ظروف سنگ صابونی از نوع کلریت، مربوط به سری قدیم (به تقسیم‌بندی میروشجی) و یا سبک میان فرهنگی (بگفته کول)، یافت شده از سراسر جنوب غربی آسیا است؛ البته استثناهایی در آسیای مرکزی و بین‌النهرین وجود دارد که منحصر بفرد هستند. پس از جیرفت، گورهای شهداد کرمان در رتبه بعدی فراوانی مواد مزبور قرار میگیرند؛ (Martin and Potts, 2012: 47) (تصویر شماره ۲).

سنگهای صابونی شهداد عمدتاً از نوع استاتیت هستند (حاکمی، ۱۳۶۷: ۱۱۰). از این محوطه وسیع، متعلق به هزاره سوم قبل از میلاد، که در حاشیه کویر لوت واقع شده، مجموعه بزرگی از این نوع ماده فرهنگی اکثراً مربوط به سری جدید و متعلق به اواخر هزاره سوم قبل از میلاد بدست آمده است. سری جدید، متأثر از فرهنگ ام‌النار (محوطه‌یی در امارات متحده) است



تصویر شماره ۱. ظروف سنگ صابونی جیرفت (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۷۰)



تصویر شماره ۲: اشیاء سنگ صابونی بدست آمده از شهداد (حاکمی، ۱۳۶۷: ۱۱۲)

بخش مهمی از اقتصاد تولیدی منطقه را تشکیل میداده و بدون تردید، براساس نظام مبادلاتی سازمان یافته، تولیدات صنعتی شهداد به دیگر مناطق صادر میشده است. با بررسی اشیاء تدفینی گرانبهای شهداد میتوان به میزان ثروت ساکنین این محوطه پی برد که به احتمال زیاد از طریق تجارت حاصل میشده است (طلایی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). از تپه یحیی در کرمان نیز مجموعه‌یی از مواد فرهنگی سنگ صابونی از لایه (IVB3000 - ۲۵۰۰ قبل از میلاد) کشف شده است (Lamberg, 1970:87)، که متعلق به سری قدیم یا سبک میان فرهنگی هستند و همچنین یک کارگاه تولیدی نیز در همین لایه کشف شده است (Vidale and Desset, 2013:26).

نقش مایه‌های این سری، بسیار ساده و تهی از هر تنوعی، بیشتر به شکل دایره‌هایی با یک نقطه در وسط و نیز خطوط صاف افقی پیرامون ظرف هستند. سنگهای صابون استفاده شده در شهداد از لحاظ رنگ تفاوتی با ظروف سنگی تپه یحیی دارند. با توجه به سنگهای بکار رفته در تولیدات سنگی شهداد بنظر میرسد، این کالاها در کارگاههای خود محل تولید شده‌اند. افزون بر این، ضایعات مواد خام و ابزارهای تولید بکار رفته در ساخت این محصولات نیز کشف شده است (حاکمی، ۱۳۸۵: ۹۸). بر این اساس میتوان تصور کرد، در نبود شرایط مناسب برای کشاورزی و محدودیت زمینهای کشاورزی، تولیدات صنعتی (فلز و مهره‌های سنگهای نیمه قیمتی)،

مصرف داخلی میرسیدند و یا به شوش و ماری صادر میشدند. ۴. در غرب زاگرس، نزدیک دره دیاله که مواد خام یا تمام شده را به شوش و ماری صادر میکرد. ۵. معدن پنجم ناشناخته است ولی احتمال دارد که در غرب زاگرس یا در غرب عمان بوده باشد (khol,1975: 18).

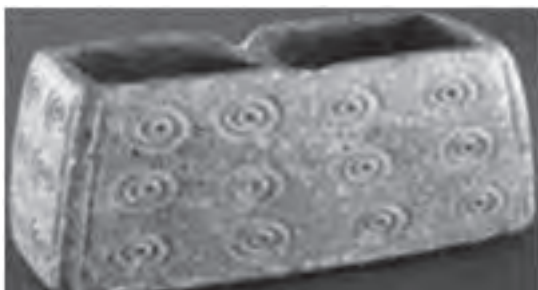
نمونه ظروف و اشیای سری قدیم از تاروت (شرق عربستان)، سار (بحرین)، فیلکه (کویت) (Aruz, 2003: 341) و تمام محوطه‌های بین‌النهرینی همچون، اور، ادب، ماری، خفاجه و نیپور یافت شده است (سید سجادی، ۱۳۸۸: ۲۶۷). نمونه‌های سری جدید نیز از محوطه‌های بحرینی (سار، حمد و الحجار)، محوطه‌های عمانی (هیلی و بحله)، محوطه‌های اماراتی (ام النار و تل ابرق) بدست آمده‌اند (جدول شماره ۱)، (Mughal,1983:78).

معادن این سنگ در حدود ۲۵ کیلومتری تپه مزبور وجود دارند. فیلیپ کول، عضو هیئت لامبرگ - کارلوفسکی که برای رساله دکترایش بر روی طبقه‌بندی و توزیع این ماده فرهنگی کار میکرد، پس از آزمایشهای کانی‌شناختی ۱۰۹ نمونه از سبک میان فرهنگی، پنج منبع برای ظروف سنگ کلریتی شناسایی کرد که عبارتند از:

۱. معدنی در غرب یا مرکز عربستان که ماده اولیه کارگاههای تاروت در حاشیه جنوبی خلیج فارس را تأمین کرده و این کالاها به جنوب بین‌النهرین صادر میشدند.
۲. بمپور در جنوب شرقی ایران که سنگهایش به تاروت فرستاده میشده و سپس کالای تمام شده به جنوب بین‌النهرین ارسال میگرددیده است.
۳. منابع محلی تپه یحیی که در این محوطه تبدیل به ظروف و اشیای تمام شده یا نیمه‌ساز میشدند و سپس یا به

جدول شماره ۱: نمونه ظروف سبکهای سری قدیم و جدید از محوطه‌های مختلف، (منبع: نگارندگان)

ظروف سری جدید	ظروف سری قدیم
 <p>ظرفی با نقش مایه‌های درب به همراه طرحهای هندسی دیگر نظیر خطوط زیگزاگی و عمودی و پهن از شهداد (حاکمی، ۱۳۸۵: ۳۶۰)</p>	 <p>ظرف استوانه‌یی سنگ صابونی با نقش مایه‌های پهلوانی از خفاجه (Aruz, 2003: 116)</p>
 <p>یک سرمه‌دان ۶ سانتیمتری با نقش مایه دایره‌یی و تورفتگی (Majidzade, 2003:127)</p>	 <p>جامهای پایه‌دار سنگ صابونی بدست آمده از جیرفت (Majidzade, 2003:127)</p>



ظرفی از سنگ صابون بدست آمده از قبری در تل ابراق
(Potts, 2008:17)



قطعات ظرف سنگ صابونی با نقش مردی در حال باغبانی
بدست آمده از ماری (Aruz, 2003: 116)



بخشی از یک ظرف با طرحهای هندسی از فیلکه در کویت
(Potts, 1993:64)



ظرف سنگ صابونی مخروطی با نقش مایه‌های مربعی و
زیگزاگی واجر چینی بدست آمده از جیرفت
(Majidzade, 2003:127)

شهر سوخته، از لحاظ تأثیر و تأثر فرهنگی بیشتر متوجه مناطق شرقی خود همچون موندیگاگ و دره سند بوده است. البته ناگفته نماند، نمونه‌های مشابه با سری قدیم و جدید در موهنجودارو نیز کشف شده است که گویای تبادلات تجاری بین منطقه‌یی میباشد؛ تبادلاتی که بر طبق این شواهد، هرگز با شهر سوخته نبوده یا قابل توجه نبوده است که البته این خود با علامت پرسش و تعجب همراه میباشد (!؟). اگرچه بزعم سید سجادی تپه یحیی و شهر سوخته، هر کدام با داشتن یک مسئولیت مشخص تولیدی در این منطقه - تپه یحیی برای ساختن مواد فرهنگی سنگ صابونی و شهر سوخته برای ساختن مواد فرهنگی از سنگ لاجورد - بدلیل فقدان وجود تقاضا در فلات ایران صرفاً پاسخگوی بازارهای مناطق دیگر بویژه بین‌النهرین بوده‌اند، اما با این وجود نمیتوان به همین سادگی این موضوع مهم، یعنی عدم وجود این نوع مواد فرهنگی خاص در شهر سوخته را توجیه کرد. با این حال نظر وی دربارهٔ اینکه کارهای صنعتی و تجاری در این شهرها به احتمال بسیار زیاد تحت کنترل مقامات محلی بوده و الگوهای سازمانی بین‌النهرینی، یعنی کاخ یا معبد که ناظر بر این

مواد فرهنگی سری قدیم و جدید، هر دو در شوش کشف شده‌اند (تصویر شماره ۳)، ولی نمونه‌های سری جدید در بین‌النهرین تاکنون بنظر نگارندگان نرسیده است. این مواد فرهنگی در بین‌النهرین، عمدتاً از داخل معابد و مکانهای عمومی - مذهبی کشف شده‌اند (Woolley, 1934:25) و تعدادی نیز از مقابر سلطنتی اور بدست آمده‌اند (Idem, 1974:51)، اما به احتمال زیاد میتوان گفت این مواد در بین‌النهرین یک کالای تدفینی نبوده بلکه یک نوع کالای تزئینی و شأن‌زایشمار میرفته که نشان از منزلت والای صاحبش داشته است. به همین دلیل، فراوانی این ماده در بین‌النهرین بسیار کمتر از جنوب شرقی ایران و کشورهای کوچک عربی حاشیة خلیج فارس میباشد. لازم بذکر است در شهر سوخته، واقع در استان سیستان و بلوچستان، با حدود ۱۵۰ هکتار مساحت که اوج حیاتش در هزارهٔ سوم قبل از میلاد بوده است، با وجود همسایگی با استان کرمان و نزدیکی به مثلث جیرفت - شهداد - یحیی، غیر از تعدادی مهر مسطح از سنگ صابونی و یک سرمه‌دان مرکب از سنگ صابونی و مرمر، هیچ نشانی از ظروف و اشیای مورد نظر بدست نیامده است (سید سجادی، ۱۳۸۸: ۷۲).

میلاد، دوره‌یی از فترت، فلات ایران را فراگرفت، اما در حدود اواسط هزاره سوم قبل از میلاد در جنوب شرقی ایران، موازی با بخش جنوب غربی (تمدن شوش)، فرهنگ و تمدنی پا به عرصه گذاشت که محوطه‌های جیرفت، شهداد و یحیی معرف آن هستند. یکی از شاخصه‌های تعیین‌کننده افق فرهنگی دوره سوم استقرار در شهداد، وجود تعداد بسیار زیاد ظرفهای سنگ صابونی است که به احتمال قوی تولید محلی بوده است (Kohl, 2001: 216). این ظرفها برای پاسخ به نیاز داخلی و همچنین توزیع در بازار بین‌المللی بوده و بخصوص بنظر میرسد در واردات تولیدات جدیدی از هنر جیرفت نیز نقش بسیاری داشته‌اند. این ظرفها در شهرهایی مانند ماری و پالمیرای سوریه، تل عقرب، تل اسمر، اور، ادب و نیپور در بین‌النهرین، تاروت و سواحل جنوبی خلیج فارس و طبعاً علاوه بر اینها در سایر محوطه‌ها و شهرهای فلات ایران بشکل مناسبی توزیع شده‌اند. همچنین، تعداد زیادی از ظرفهای سنگ صابونی با نقوش کنده بر روی بدنه که میراث اسطوره‌های دشت جیرفت است، در شوش بدست آمده که بنظر میرسد یکبار دیگر تجربه فلات ایران با افقهای فرهنگی خود، یعنی موضوعات و زمینه‌های فرهنگی بین‌النهرینی و همچنین زمینه‌های جغرافیایی منابع آنجا یعنی استفاده از قیر بجای کلریت را با یکدیگر منطبق میسازد (اسکالونه، ۱۳۹۴: ۸۲). آثار بدست آمده از جیرفت حکایت از این دارند که بسیاری از این ظروف سنگ نرم که به احتمال بعضی از آنها در تپه یحیی ساخته شده‌اند، عمدتاً برای مصرف مردمانی بوده که در حوزه فرهنگی هلیل رود زندگی میکردند؛ هرچند که بر اساس مدارک موجود نمیتوان گفت که این ظروف صرفاً برای نخبگان محلی تولید میشد، یا در الگوی برابری، برای مثال، گورستان حفاری شده شهداد که به احتمال حکومت درجه دو دیگری بوده است، همراه مرده دفن میشدند؛ یعنی اینکه بطور نسبتاً برابر در سراسر جامعه توزیع میشده است (کوهل، ۱۳۸۷: ۴۱۲). در تپه یحیی، در ارتباط با انبوه تولیدات سبک میان فرهنگی، تاکنون هیچ خانه اشرافی یادمانی، قبر یا معبدی یافت نشده است. چون اغلب تمامی قطعات سبک میان فرهنگی در کانتکس تولیدیشان یافت شده‌اند و بدلیل کمبود شواهد درخصوص اشراف و نجبای محلی، احتمالاً مصرف داخلی سبک میان فرهنگی خیلی کم بوده

تولیدات بودند، در این منطقه وجود نداشته و یا این کنترل دولتی به میزان اندکی اعمال میشده است (همان: ۱۵۹).



تصویر شماره ۳: ظروف کلوریتی بدست آمده از شوش (de Miroshedji, 1973:45)

بنظر میرسد، با افول فرهنگهای عالی و پیشرفته بین‌النهرین در اواخر هزاره سوم قبل از میلاد، بتدریج سبک میان فرهنگی برچیده شده و سبک جدید موسوم به ام النار و در تعقیب آن، وادی سوق، جانشین آن گشت. سری جدید از ویژگیهای سری قدیم تقریباً هیچ بهره‌یی نبرده و ابداً از آن همه زیبایی و نقش‌مایه‌های کم‌نظیر نشانی ندارد. از اواخر هزاره سوم قبل از میلاد، با ظهور ظروف و اشیای سنگ صابونی سری جدید، قویاً بنظر میرسد، این ماده فرهنگی از جایگاه سابقش نزول کرده و از یک کالای شأن‌زا که احتمالاً بسبب قیمت بالا هر کسی توان خرید و تهیه آن را نداشته، به یک کالای نسبتاً معمولی با بهایی کمتر تبدیل شده است؛ کالایی که ارزش قرار گرفتن در قبر فرد مرده را داشت.

ارتباطات فرهنگی و تبادلات تجاری منطقه در هزاره سوم قبل از میلاد

در جنوب غربی آسیا و شمال شرقی آفریقا، زمان ظهور حکومتهای مقتدر، پیچیدگی اجتماعی - سیاسی و رونق تبادلات اقتصادی بود. پس از فروپاشی و محو فرهنگ آغاز عیلامی در پایان هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم قبل از

خلیج فارس، سرزمینهای باستانی دیلمون در شمال غرب و مگان در شبه جزیره عمان است (Potts, 2012:171). احتمالاً ایشان نقش واسطه را برای تجار دوره گرد شرق ایران بازی میکردند. اما برخلاف آنان که گاهی از جایی به جای دیگر انتقالشان میدادند، این دریانوردان فقط واسطه بودند و سبک هنری اصیلی پدید نیآورده اند که نمایانگر چیستی فرهنگشان باشد. تعداد زیادی ظروف کلریتی که در جزیره کوچک تاروت در شمال بحرین انبار شده بود، احتمالاً کار ایشان بوده است (آمیه، ۱۳۸۹: ۳۳).



تصویر شماره ۴: نمونه ظروف سنگ صابونی بشکل کیف دستی بدست آمده از جیرفت با نقش مایه های از درخت نخل، پیچکی و طرحهای زیگزاگی (Madjidzadeh and Perrot, 2005: 139)

دو نوع بسیار شاخص از ظروف سنگی با منشأ ایرانی که در محوطه های سومری یافت شده اند، دارای کتیبه هایی حاکی از غنیمتی بودن آنها هستند (تصویر شماره ۵). پادشاهان اکد بر روی ظروف شرقی از جنس کلریت و کلسیت کتیبه مینگاشتند تا نشان دهنده این باشد که آنها بخشی از غنایم جنگی از ایران هستند که به خزانه های شاهی و معابد سومری منتقل شده اند. سپس، گاهی اوقات به نشانه بالا بودن طبقه اجتماعی آن را به خادمین ممتاز حکومت اهدا میکردند (Potts, 1989: 18). شواهد نشان میدهند که سومر هم مثل تاروت، سنگهای صابونی وارداتی خود را از منابع گوناگونی تهیه میکرده است. این الگو با نمونه های آزمایش شده از شوش

است. بر این اساس، بگفته کول، تپه یحیی بخشی از قلمروی میان رودان بوده که وظیفه ارسال کالاهای شأنزا و منابع خام بعنوان خراج یا اشکال دیگر مبادله یکسویه را بر عهده داشته است (Kohl, 2004: 285). در متون هزاره سوم میان رودان هرگز از این ظروف ذکری نرفته است، در عوض، متون اکدی قدیم، نظیر کتیبه سلطنتی سارگون، از اعزام نیروی نظامی به ایران سخن میگویند که بطور منظم از شهرهای سقوط کرده غنیمت میگرفتند (Potts, 1989: 144).

همچنین بنظر کول، احتمال دارد دلیل ساخت کالاهای تجملی نظیر سبک میان فرهنگی در تپه یحیی، برای مبادله با محصولات کشاورزی بوده باشد (Kohl, 1976:74). مجیدزاده درباره تجارت فرامنطقه ای این محوطه وجود واسطه هایی را فرض کرده که صنعتگران تپه یحیی سودی نمیدادند بلکه سود کلان عاید واسطه ها میشد (مجیدزاده، ۱۳۶۸: ۱۴۴).

با کشف کارگاههای صنعتگران تپه یحیی که با سنگ کلریت کار میکردند، موفق شدیم تشخیص دهیم که این منطقه مهد صنعتی بوده با سبک هنری شاخصی که نشان دهنده فرهنگی اصیل است. محصولات این صنعت سنگ تراشی در هزاره سوم قبل از میلاد در بین النهرین مشتریان بسیاری داشت. این سبک هنری خود را عمدتاً در تزئینات فراوان روی گلدانها و اشیاء شأنزایی چون پلاکهای دسته دار (سنگهای وزنه یا کیف دستی) به منصفه ظهور میگذارد و از نقش مایه های الهام گرفته از معماری و نقوش قدیمی استفاده میکند که یادآور سنتهای بخصوصی است که در مهرهای اواخر دوران پیش از تاریخی، چون نقش ارباب مارهای مخوف دیده میشود (تصویر شماره ۴). اما نقوشی که از مجموعه بین النهرین وام گرفته شده اند، مشکل مهمی را پیش می آورد. ممکن است برخی از متخصصان کار با سنگ کلوریت، دوره گرد بوده باشند و کارهای از این قبیل اشیاء کلوریتی را در سرزمین مشتریان بین النهرینی شان میساخته اند. در پرتو این فرضیه، میتوان وجود نقش عقاب شیرسر و گاو - مرد را روی گلدانهای مکشوفه از خفاجه و ماری توجیه کرد (Parrot, 1956: 77). شمار زیادی از این اشیاء توسط سومریان به معابد منتقل شده اند و ما آنها را از این مکانها یافته ایم. بگفته دنیل پاتس این تمدن دریانوردان

با این وجود، با استناد به شواهد باستانشناختی نمیتوان امکان استقرار گروهی از هنرمندان جیرفت در تاروت را نادیده گرفت. آثار سنگ صابونی که از بحرین بدست آمده و منتشر شده‌اند، سه ظرف هستند (تصویر شماره ۶): نخست، ظرف کاملی از گوری در گورستان کندوی عسلی در سار، با نقش‌مایه معبدی؛ دومین نمونه از گورستان الحجار بدست آمده که روی این ظرف با دو ردیف از مثلث‌های کنده پوشیده شده است؛ سومین نمونه از گورستان المقشی یافت شده که سبویی مینیاتوری با گردن کوتاه و لبه به خارج برگشته با نقش‌مایه فلسی است (Ibrahim, 1982: 15).



تصویر شماره ۶: نمونه ظروف بحرینی (Aruz, 2003: 341)

ظرف مزبور از مجموعه باستانشناختی سار که زمان آن به دوره دیلمون قدیم (۲۰۰۰ - ۱۸۰۰ ق.م) میرسد، نشان میدهد که تاریخ تولید اشیای تدفینی نهاده شده در این گور، کهنتر از قراردادنشان در گور بوده است. وجود اشیای موروثی یا کهنتر در گورهای دیلمون همچنین از طریق اقلام عمانی و محلی تأیید شده است؛ مانند مهرهای مسطحی که اصطلاحاً به مهرهای خلیج پارس شهرت دارند و کاسه‌های سبک ام‌النار جدید با تزیین دوایر نقطه‌یی که به دو قرن پایانی هزاره سوم قبل از میلاد تاریخگذاری شده‌اند (پیرونل، ۱۳۸۷: ۳۵۰). از فیلیکه تعداد زیادی قطعات سنگ صابونی حکاکی شده شبیه به مجموعه جیرفت یافت شده است. نقش‌مایه‌های بکار رفته بر روی این آثار، طرحهای هندسی، معماری همراه با طرحهای کلبه و حصیری، پیچهای حلزونی، ریسمانی و نقوش جانوری شامل عقربها، گربه‌سانان، خزندگان و عقاب با سر شیر هستند. اینها تشابهات بسیاری با مجموعه‌های بدست آمده از تاروت، بحرین و شهرهای بین‌النهرینی این هزاره دارند. این آثار از ساختارهای خصوصی و عمومی بدست آمده‌اند که به دوره‌های دیلمون قدیم و میانی (۲۰۰۰ - ۱۲۰۰ ق.م)

در تضاد است؛ چرا که آن سنگها از ساختار نسبتاً یکسانی تشکیل یافته بودند (Kohl et al, 1979: 40). در تاروت از نوعی ماشین تراشکاری برای شکل دادن به ظروف استفاده میکردند و اصطلاحاً به این نوع ظروف سنگی «ظروف چرخ ساز» گفته میشود. این روش در کارگاه تپه یحیی، در لایه IVB محوطه معمول نبوده است (Kohl, 2004: 286). همچنین، مطالعات آزمایشگاهی نشان داده‌اند که قطعات بدست آمده از فیلیکه، ماری، ادب و تاروت آن چنان ترکیب همانندی دارند که میتوان برای آنها منبع مشترکی را فرض کرد، هرچند که گروه دیگری از نمونه‌های تاروت با ظروف بدست آمده از خفاجه، اور، نیپور و کیش مرتبط است. بنابراین، احتمال دارد که در این جزیره در یکی از مراکز تولید کلریت از منابع محلی استفاده میشد و تعدادی از ظروف از جنوب شرق ایران وارد میگردد و چندین شهر بین‌النهرین اقلام آماده شده را از تاروت تهیه میکردند (پیرونل، ۱۳۸۷: ۳۴۸). اگر تکامل داخلی در استفاده از ظروف کلریتی در خلیج فارس واقع‌گرایانه بنظر میرسد، پیشنهاد راه حلی برای معرفی نخستین بار این تولید در تاروت دشوارتر است. اگر این مبدأ از حدود اواسط هزاره سوم قبل از میلاد آغاز شده باشد، نمیتوان آن را بدون وجود ارتباط مستقیمی با تمدن جیرفت توصیف کرد، در حالی که مجموعه تاروت رابطه محکمتری با نمونه‌های بین‌النهرینی دارد تا نمونه‌های هلیل رود.



تصویر شماره ۵: ظرف کلریتی با کتیبه‌یی از ریموش که منشأ آن ایرانی است (۲۶۰۰ - ۲۵۰۰ ق.م) (Cleuziou & Tosi, 2007: 234)

میشده‌اند (Sanla Ville, 1989: 21)، بر همین اساس نه تنها رود کارون بلکه کرخه نیز مستقیماً به خلیج فارس میریخته‌اند و از آن زمان به بعد تقریباً عقب‌نشینی خط ساحلی را شاهد هستیم که بمیزان وضعیت فعلی تغییر یافته است (Lambeck, 1996: 55). ارتباطات فرهنگی، اقتصادی و برخوردی‌های نظامی مابین کشورها در دوران باستان در دو مسیر خشکی و آبی صورت می‌گرفته است. در دوره مورد مطالعه در جنوب غرب ایران، اهواز، آبادان و خرمشهر از طریق اروند رود به همدیگر مرتبط بوده و یا در استان فارس، کرمان و سیستان و بلوچستان از طریق رود و شاخه‌های فرعی آن به عمق خشکی وصل گشته‌اند؛ امری که براساس نامهای باستانی مکان‌یابی شده و نیز بصورت نامعلوم در متون بین‌النهرینی ثبت شده‌اند و یا در داده‌های باستانشناسی به مانند نقش‌مایه‌های مهرها و یا اثر مهرها استفاده مسیره‌های آبی در آن مکانها را مورد تأیید قرار میدهند (Green and Nissen 1987; Steible 1982; Selz 1989) سواحل شمالی خلیج فارس نیز دارای ویژگیهای خاصی است که از مهمترین آنها در خصوص نزدیکی قایق و کشتیها به بندرگاهها، کم‌عمق و صخره‌یی بودن آن در مقایسه با سواحل جنوبی می‌باشد. در مقابل، ساحل جنوبی خلیج فارس با عمقی تقریباً ۲۰ متر وضعیتی مناسبتر بجهت حمل و نقل دریایی ساحلی مهیا ساخته است. ولی بنظر نمیرسد که در دوران باستان این مشکل در حمل و نقل دریایی تأثیرگذار بوده باشد ولی همین پیش فرض باعث گردیده که در خصوص مسیره‌های دریایی توسط برخی، همواره مسیر جنوبی مابین حد شمال غربی و دریای عمان و هند پیشنهاد داده شود (Potts 2000: 10). این در حالی است که وضعیت طبیعی ساحل شمالی نه تنها یک عامل بازدارنده بلکه حالت دفاعی مناسبی را بوجود آورده است. منابع گوناگون کتبی و شواهد باستانشناسی، استفاده بیشتر سواحل شمالی خلیج فارس در دوره‌های مختلف تاریخی را هم در مسیره‌های کوتاه مابین سواحل و جزایر خلیج فارس که در آن جزایر مراسم آیینی خود را انجام میداده‌اند و هم در مسیره‌های دریایی دور تأیید مینماید (Gropp, 1991: 83). حضور درخشان خلیج فارس و دریای عمان در روابط بین‌المللی هزاره‌های کهن، مرکز ثقلی برای پیوندهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جوامع مختلف

تاریخگذاری شده‌اند. تاریخگذاری بنیانگذاری مستعمره‌های دیلمون در فیلکه نمیتواند زودتر از آغاز هزاره دوم قبل از میلاد بوده باشد و بنابراین بنظر میرسد که در اینجا با مشکل تاریخگذاری قطعات کلوریت مواجه هستیم. برخی از محققین مدارک فیلکه و بحرین را بعنوان دلیلی برای تاریخگذاری جدیدتر (درست پایان هزاره سوم و قرون اولیه هزاره دوم قبل از میلاد) در مورد آخرین فرآورده‌های کلوریتی بکار برده‌اند (Potts, 1994: 258). اگر همانگونه که توالی تپه یحیی و برخی از ظروف بین‌النهرینی و شوش نشان میدهند، نتوانیم دوره زمانی فراگیری را مستثنی کنیم که در برگیرنده دوره اکد نیز باشد، بطور قطع، باید تاریخ فرا اکدی برای ظروف کنده‌کاری شده نقش‌دار بین‌النهرین و خلیج فارس را رد کنیم. در حقیقت، همانگونه که پیرونل بدرستی ثابت کرده است، قطعات کنده‌کاری شده فیلکه آثار بازساخت گسترده‌یی را نشان میدهند که ظاهراً اشاره به روند کلی بازساخت و استفاده مجدد در طول دوره‌های دیلمون قدیم و میانی دارد؛ دوره‌یی که در آن از سنگ نرم قطعات شکسته متعلق به کاسه‌ها و سبوه‌های کوچک وارداتی در زمانهای قدیمتر با طرحهای تزئینی ترکیبی مربوط به هزاره سوم قبل از میلاد صدها مهر مسطح و اشیای کوچک تولید شده است. بازساختی مشابه از کاسه‌های مرتبط با سبکهای عمانی با تزئین دواير نقطه‌یی گزارش شده است (پیرونل، ۱۳۸۷: ۳۵۰).

تجارت آبی خلیج فارس و دریای مکران و نقش آن در مبادلات منطقه‌یی در هزاره سوم قبل از میلاد

مساحت فعلی خلیج فارس ۲۲۳۰۰۰ کیلومتر مربع، پهنای متوسط آن ۱۸۰ کیلومتر، طول آن حدود ۱۱۰۰ کیلومتر و عمق متوسط آن ۳۵ متر است که البته در برخی نقاط خیلی محدود تا ۱۰۰ متر نیز میرسد. براساس مطالعات گرده‌شناسی در این محدوده از ۱۶ هزار سال پیش یخهای موجود در منطقه شروع به آب شدن کرده و تقریباً از ۶۰۰۰ هزار سال پیش وضعیت امروزی آن با تفاوت خیلی اندکی همچنان پایدار مانده است (Nutzel, 1978: 11.24). قابل ذکر است که در همین مطالعات نتیجه گرفته شده که خط ساحلی در ۶۰۰۰ هزار تا ۵۵۰۰ سال پیش آنگونه در خشکی پیشرفت داشته است که دجله و فرات مستقیماً به خلیج فارس وارد



شکل شماره ۲: بنادر خلیج فارس و دریای عمان در هزاره سوم قبل از میلاد (باصفا، ۱۴۶: ۱۳۸۶)

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، میتوان موارد زیر را در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مطرح نمود: تأثیر و تأثر فرهنگی و تبادلات تجاری منطقه جنوب شرقی فلات ایران، بطور ویژه کرمان باستان، در هزاره سوم قبل از میلاد، از گستره مواد فرهنگی سنگ صابونی قابل مشاهده است. کشف انبوه قابل ملاحظه‌ای از کالاهای سنگی صابونی در جیرفت (سری قدیم) و شهداد (سری جدید) و نیز وجود کارگاه سنگ‌تراشی، مواد نیمه ساخته و نزدیکی به مواد خام در تپه یحیی این فرضیه را در ذهن تقویت میکند که منطقه کرمان در هزاره سوم قبل از میلاد هسته اصلی تولید کالاهای سنگی شأن‌زا در منطقه جنوب غربی آسیا بوده است. بنظر میرسد مواد فرهنگی سنگ صابونی در منطقه جنوب غربی آسیا، دو نوع کاربرد داشته‌اند: تدفینی و تجملی. در بین‌النهرین مکانهایی که این نوع مواد فرهنگی از آنها کشف شده‌اند، عمدتاً معابد و نیایشگاههای مهمی چون معبد خدای ماه (سین)، خدای خورشید (شمش)، ایزدبانو ایشتار و اینانا (که نام سومری ایشتار است) هستند. یافت شدن این کالا - بطور خاص، مواد سری قدیم یا سبک میان فرهنگی - در چنین بافتی بیانگر این است که برای اجرای مراسم آیینی همچون نوشیدن از آنها استفاده میشده است. با این وجود، چند قطعه نیز از گورستان سلطنتی اور یافت شده که نشان‌دهنده طبقه اجتماعی بالای متوفی است. ولی در جنوب شرقی ایران و مناطق حاشیه‌ی خلیج فارس و دریای مکران وضع به گونه دیگری بوده است. این مواد عمدتاً از بافت گورستانی کشف شده‌اند که تقریباً در گورهای اغنیا و فقرا وجود داشته‌اند. این

و محل التقاطی برای رشد و نمود اندیشه‌های تکاملی نو پدیدار کرد. راه‌های بازرگانی خلیج فارس و دریای عمان به دریای سرخ، زمینه‌ساز ارتباط میان جنوب آسیا، بین‌النهرین و هندوستان با آفریقا بود و این ارتباطها سبب اثرپذیری فرهنگی در نتیجه گسترش بازرگانی، داد و ستد مستقیم و مهاجرت‌های انسانی گردید (چمنکار، بی تا: ۳). بنادر مربوط به هزاره سوم که در متون نام آنها آمده است عبارتند از: آدم دون (Heimpel, 1987)، انشان و شوش (Edzard & Farber, 1977)، ایلام و لیان (Hinze & Koch, 1987)، اوان (Libd)، بشیم (والا، ۱۳۷۶)، مگان، دیلمون و ملوها (Potts, 1994)، شریخوم (Gelb & Kienast 1990) و مارهاسی (Westenholz, 1999) (شکل شماره ۲).

در کنار اشاره متون تاریخی به این بنادر، نمیتوان منکر نقش خلیج فارس و دریای مکران در انتقال و جابجایی این سنگ ارزشمند شد. این دو دریا در هزاره سوم قبل از میلاد نقش تعیین‌کننده‌ی در تجارت منطقه‌ی و فرامنطقه‌ی داشته‌اند. کشتیهای بین‌النهرینی از طریق رودخانه‌های دجله و فرات به خلیج فارس می‌آمدند و از آنجا به مناطق حاشیه‌ی خلیج فارس و دریای مکران و سپس بسوی منطقه فرهنگی سند و احتمالاً فراتر از آن میرفتند تا کالاهای تجاری خود را بفروشند یا معاوضه کنند. تجار بین‌النهرینی در عصر آغاز حکومتها که طبقات اجتماعی بشدت از یکدیگر متمایز میشدند و معبدنشینان و نجبا به اهرم قدرت تبدیل شده بودند، بیش از هر چیز نیاز به خرید و فروش فلزات (برای تولید سلاح) و کالاهای شأن‌زا (برای احترام اجتماعی) داشتند و این مواد، بصورت خام و تمام‌شده از مناطقی غنی همچون جنوب شرقی ایران تأمین میشدند. خلیج فارس و دریای مکران، فعلی تبادل کالا و تجارت را برای اهالی این منطقه سهل نمودند و رفت و آمد در مسیرهای ناهموار و بیابانی طاقت‌فرسا را کاهش دادند. شواهد دیگر برای ارتباطات بین منطقه‌ی و رفت و آمد از طریق خلیج فارس، ۷۱ قطعه صدفی است که در ۲۶ گونه دسته‌بندی میشوند. این صدفها در سرتاسر خلیج فارس و دریای عمان پراکنده هستند و کاربرد آنها بیشتر تزئینی و به ساخت زیورآلات برمیگردد؛ بعنوان مثال چندین گونه مانند از دوره نوسنگی به بعد تحت عنوان جواهر در مناطق مختلف شبه جزیره عربستان

فرهنگی میان خلیج‌فارس و جنوب شرق ایران»، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تمدن حوزه هلیل: جیرفت، بکوشش یوسف مجیدزاده، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان، ص ۳۳۵ - ۳۴۱، ۱۳۸۷.

- حاکمی، علی؛ «آیا مدل بناهایی که در شهداد کشف شدند ماکت معابد هزاره سوم قبل از میلاد بوده‌اند؟»، ترجمه کامیارعبدی، مجله اثر، شماره ۲۶ و ۲۷، ص ۱۰۶-۱۱۹، ۱۳۶۷.

- حاکمی، علی؛ گزارش هشت فصل بررسی و کاوش در شهداد (دشت لوت)، بکوشش محمود موسوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۸۵.

- چمنکار، محمد جعفر؛ «جایگاه خلیج‌فارس و دریای عمان در توسعه روابط اقتصادی هزاره‌های پیش از میلاد»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۸، بی‌تا.

- سید سجادی، سیدمنصور؛ باستانشناسی شبه قاره تاریخ هند، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۸.

- شیخ بیکلو اسلام، بابک؛ «تفاوت کاربرد ظروف و اشیای سنگ صابونی در ایران و میان‌رودان در هزاره سوم قبل از میلاد»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی باستانشناسی ایران، ص ۱ - ۲۱، ۱۳۹۴.

- طلایی، حسن؛ عصر مفرغ ایران، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۵.

- _____؛ مهر در ایران از آغاز تا صدر اسلام، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۹۲.

- کوهل، فیلیپ، «حکومت‌های درجه دو شرق سومر: توصیف مقدماتی جغرافیای سیاسی»، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تمدن حوزه هلیل: جیرفت، شرق ایران، بکوشش یوسف مجیدزاده، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان، ص ۴۰۷ - ۴۲۲، ۱۳۸۷.

- مجیدزاده، یوسف؛ آغاز شهرنشینی در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۸.

- _____؛ جیرفت کهنترین تمدن شرق، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشار، ۱۳۸۲.

- والا، فرانسوا؛ خلاصه‌ی از عوامل جغرافیایی ایلام در شوش و جنوب غرب ایران، ترجمه هاید اقبال، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.

موضوع خاطر نشان میکند که مواد فرهنگی سنگ صابونی در این مناطق، کاربردی تدفینی داشته‌اند که البته ماهیتش را به کلی با نگاه بین‌النهرینها به این کالا متفاوت جلوه میدهد. شاید بدلیل آنکه مردمان این مناطق دارای معابدی باشکوه و شوکت بین‌النهرین نبوده‌اند و یا شاید اساساً باورهای متفاوتی داشته‌اند، کاربری این کالا که اول بار در بین‌النهرین یافت شده و بر طبق تاریخگذاری قدیمیتر از مناطق همجوار میباشد، تغییر کرده است. از این گذشته، همانطور که گفته شد، بطور حتم خلیج‌فارس و دریای عمان در این مبادلات و جابجایی‌ها نقش تعیین‌کننده‌ی داشته‌اند و این حجم از مبادلات در هزاره سوم، بدون اتکا به مسیرهای آبی و بنادر آنها تا حدودی دشوار مینماید. بنظر میرسد خلیج‌فارس و دریای مکران، تبادل کالا و تجارت را برای اهالی این منطقه سهل نموده و رفت و آمد در مسیرهای ناهموار و بیابانی طاقت فرسا را کاهش داده‌اند.

منابع فارسی

- آمیه، پیر؛ «روابط ایران و بین‌النهرین از ۳۵۰۰-۱۶۰۰ در بین‌النهرین و ایران، قبل از میلاد در دوران باستان، کشمکش و تقابل ۳۵۰۰ - ۱۶۰۰ قبل از میلاد»، گزارشی از سمینار یادواره ولادیمیر لوکونین، ویراسته جان کرتیس، زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.

- اتردی، سیروس؛ کانی شناسی سلیکاتها، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ۱۳۸۶.

- اسکالونه، انریکو؛ باستانشناسی جوامع ایران باستان در هزاره سوم پیش از میلاد، ترجمه سیدمنصور سیدسجادی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴.

- افشاری‌نژاد، حکیمه؛ «ساختار شناسی و حفظ و مرمت ظروف کلریتی حوزه فرهنگی جیرفت»، مجموعه مقالات یازدهمین همایش حفاظت و مرمت اشیاء تاریخی-فرهنگی وابسته به معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز: ۱۳۹۳.

- باصفا، حسن؛ «مطالعه تحلیلی ظروف کنده‌کاری شده حوضه هلیل رود در نیمه دوم هزاره سوم قبل از میلاد و مقایسه آن با مناطق همجوار» پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.

- پیرونل، لوکا؛ «خاستگاه تمدن دیلمون و برهم کنشهای

- _____, Carved Chlorite Vessels: A Trade in Finished Commodities in the Mid-Third Millennium, Expedition XVIII: 1 8-31. 1975,
- _____, "Steatite" Carvings of the Early Third Millennium B. C. American Journal of Archaeology, Vol. 80, No. 1. pp. 73-75, 1976.
- _____, Harbottle, G., & Sayre, E. V., Physical and Chemical Analyses of Soft Stone Vessels from Southwest Asia. Archaeometry, 21(2), PP. 131-159, 1979.
- _____, Reflections on the Production of Chlorite at Tepe Yahya: 25 years later. In Excavations at Tepe Yahya, Iran 1967, 1975. By C. C. Lamberg-Karlovsky, D. T. Potts, Peabody Museum of Archaeology and Ethnology: 209-230, 2001.
- _____, Chlorite and Other Stone Vessels and their Exchange on the Iranian Plateau and Beyond, In Periens AntikePracht; Brgbau_Handwrk_Archaeologie.Th.Stoellner, R. Slotta, R. Vatandoust, eds, Catalogue published in conjunction with an exhibit in Deutsches Bergbau Museum, Bochum, 28 November, pp. 282- 289, 2004.
- Lamberg-Karlovsky., C. C. 1970. Excavations at Tepe Yahya, Iran, Progress Report I, Cambridge Massachusetts, 1967-1969.
- _____, The 'Intercultural Style' Vessels, Iranica Antiqua XXIII: 45-95, 1996.
- Martin, D.D., Potts. A Unique Bronze Age Individual from Southeastern Arabia, 2012.
- Madjidzadeh, Y. Jiroft., The Earliest Oriental Civilization, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Iran Cultural Heritage Organization Research Center, 2003.
- Madjidzadeh, Y. and Perrot J. Iconographie des vases et objets en Chlorite de Jiroft (Iran), *Paleorient*, 2 (31), 123-152, 2005.
- Miroshedji, P. DE. Vases et objets en stéatite susiens du Musée du Louvre. Cahiers de la DAFI3, pp 9-79, 1973.
- Moorey, P.R.S., "Iran: A Sumerian EL Dorado?", in early
- Aruz, J., «Intercultural Style Carved Chlorite Objects. In: Art of the first cities: the Third Millennium B. C», from the Mediterranean to the Indus, edited by Joan Aruz and Roland Wallenfels, *The Metropolitan Museum of art*, pp. 325-346, 2003.
- Cleuziou, S. & M. Tosi., «Early Arabian Civilization at its Zenith. In: In the Shadow of the Ancestors», *The Prehistoric Foundations of the Early Arabian Civilization in Oman*. edited by Serge Cleuziou & Maurizio Tosi, Published by the Ministry of Heritage & Culture Sultanate of Oman, pp. 213-247, 2007c.
- de Miroshedji, P. R., *Vases et objets en stéatite susiens du Musée du Louvre*, Association paleorient, 1973.
- Edzard, Dietz Otto & Farber, Gertrud & Sollberger Edmond, *Die Ortsund Gewässernamen der prärgonischen und Sargonischen Zeit*, Wiesbaden, 1977.
- Green, M.W., & Nissen, H. J., *Zeichenliste der archaischen Texte aus Uruk*, Berlin: ADFU11.1987.
- Gropp, Gerd, «Christian Maritime Trade of Sasanian Age in the Persian Gulf» In eds, Dobiati, C. & Leidorf, K., *Internationale Archäologie 6*, Leidorf, pp. 83-88, 1991.
- Hauptman, A., 5000« Jahre Kupfer in Oman Bd. 1 : Die Entwicklung der Kupfermetallurgie vom 3», *Jahrtau send bis zur Neuzeit Der Anschnitt*, Suppl., vol.4: Bochum, 1985.
- Hansen, D.P., G. F., Dales., «The Temple of Inanna, Queen of Heaven, at Nippur», *Archaeology 15*, pp. 75-01, 1962.
- Hinz, W. & Koch., Heidemarie: *Elamisches Wörterbuch In Bands*, Berlin, 1987.
- Ibrahim, M., *Excavations of the Arab Expedition at Sar eLJisr*, Ministry of Information, Bahrain, 1982.
- Kohl, P., Seeds of Upheaval: the Production of Chlorite at Tepe Yahya and an Analysis of Commodities Production and Trade in Southwest Asia in the MidThird Millennium, *Doctoral dissertation PhD Thesis, Harvard University, Ann Arbor, Michigan*, 1974.

- Sanlaville, P., - (Considération sur l'évolution de la basse Mésopotamie au cours des derniers millénaires...) Paléorient 15/2,5.27, 1989.
- Selz, Gebhard, J., (Die altsumerischen Wirtschafts-urkunde der Eemitage zu Leningrad.) FAOS 15.1. Stuttgart, 1989.
- Steible, Horst., (*Die Bau und Weihinschriften -II.*) FAOS, Wiesbaden, 1982 .
- Stinkeller, P., «The Question of Marhasi: A Contribution to the Historical Geography of Iran in the Third Millennium B.C.», *Zeitschrift für Assyriologie* 72, pp 237-235, 1982.
- Vidale M. and Desset F., «Mahtoutabad I (Konar Sandal South, Jiroft): preliminary evidence of occupation of a Halil Rud site in the early fourth millennium BC», In: *Ancient Iran and Its Neighbors: Local Developments and Long-range Interactions in the 4th Millennium BC*, by Cameron A. Petrie (Ed), Oxford: 322- 329, 2013.
- Westenholz, A., «The Old Akkadian period: History and Culture in: Attinger, P., & W äfler.M (eds) Mesopotamien: Akkad Zeit und Ur III Zeit», *Freiburg Annährungen* 3, pp 1-117, 1999.
- Woolley, C. L., *Ur Excavations II: The Royal Cemetery*, London and Philadelphia, 1934.
- _____, *Ur Excavations VI: The Ur III Period*, London, 1974.
- Mesopotamia and Iran: contact and conflict 3500-1600 BC. Ed by J. Curtis., London: British Museum: pp. 31 -43, 1993.
- _____, *Ancient Mesopotamian materials and industries*, Clarendon Press Oxford, 1994.
- Mughal, R., *The Dilmun Burial Complex at Sar: The 1980-82 Excavations in Bahrain*, Ministry of Information, Bahrain, 1983.
- Nützel, W. - (Zur Frage ob auf dem persisch-arabischen Golfboden der Vorläufer der mesopotamischen Hochkulturen des 4. vorchristlichen Jahrtausendes liegen können), 1978.
- Parrot, A., *Mission Archeologique de Mari I: Le Temple d'ish/ar* (Paris), 1956.
- _____, *Mission archeologique de Mari III: Les Temples d'Ishtarafet de Ninni_Zaza* (Paris); 1967.
- Potts, D. T. "The late prehistoric, protohistoric, and early historic periods in Eastern Arabia (ca. 5000-1200 BC)", *Journal of World Prehistory*, 7(2), 163-212, 1993.
- _____, «The Late Prehistoric, Protohistoric, and Early Historic Periods in Eastern Arabia (ca.5888-1288)», *Journal of World Prehistory*, Vol. 7, no. 2 , pp. 133-212, 1993.
- _____, *Mesopotamia and the East: an archaeological and historical study of foreign relations ca. 3400-2000 BC*. Oxford Univ, Committee for Archaeology, 1994.
- _____, «Foreign Stone Vessels of the Late Third Millennium B.C. from Southern Mesopotamia: Their Origins and Mechanisms of Exchange», *Iraq*, vol. 51, pp. 123-131, 1989.
- _____, «Arabian Capsule Time», *Archaeology*, Vol. 53, Issue 5: pp. 11-10, 2000.
- _____, An Umm an-Nar-type compartmented soft-stone vessel from Gonur Depe, Turkmenistan. *Arabian Archaeology and epigraphy*: 10, pp. 137-108 2008.
- _____, *In the Land of the emirates, the archaeology and Hhistory of the UAE*. Trident Press Ltd, London and Sultan bin Zayed's Culture and Media Centre, Abu Dhabi, 2012.